

تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۳

## بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌های کشاورزی

مطالعه موردی کشاورزان شهرستان گرمسار

فاطمه صبور<sup>۱\*</sup>، کورش رضایی مقدم<sup>۲</sup>، میثم منتی زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۸

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌های کشاورزی شهرستان گرمسار انجام شده است. جامعه آماری شامل کشاورزان شهرستان گرمسار بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر از آن‌ها (۱۵۰ نفر عضو و ۱۵۰ نفر غیرعضو تشکل‌های کشاورزی) به عنوان نمونه انتخاب شدند. فن پیمایش و ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند. روایی صوری پرسش‌نامه با نظر استادان دانشگاه شیراز تأیید و پایایی آن نیز با استفاده از مطالعه راهنما و آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد. دامنه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مختلف تحقیق بین ۰/۶۵ تا ۰/۹ به دست آمد. نتایج نشان داد که کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی از سایر کشاورزان تحصیلات بالاتر و دانش فنی بیشتری داشته‌اند. همچنین میانگین درآمد کشاورزان عضو تشکل از سایر کشاورزان بالاتر بوده است و اعضا وام بیشتری برای فعالیت‌های کشاورزی از بانک‌ها دریافت کرده‌اند. افزون بر این، کشاورزان عضو تشکل‌ها از کشاورزان غیر عضو مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی داشته و دارای شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی قوی و بالاتر بوده و از فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی بیشتر نیز بهره‌مند بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، تشکل‌های کشاورزی، کشاورزان، گرمسار

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

E-mail: sabourf99@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

۲. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

۳. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

## مقدمه

سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، سه رکن اصلی توسعه هر جامعه‌ای به حساب می‌آیند. سرمایه اجتماعی اشاره به پتانسیل‌ها و توانایی‌هایی دارد که افراد در زمان فعالیت به صورت مشارکتی و جمعی به دست می‌آورند. از نظر پورتز (Portes, 1998) سرمایه اجتماعی باعث توانمندی افراد برای تأمین مزایا از طریق عضویت در شبکه‌ها و دیگر ساختارهای اجتماعی می‌شود.

اولین بار سرمایه اجتماعی توسط هانی فان<sup>۱</sup> به کار برده شد. او معتقد بود که سرمایه اجتماعی به ابعادی مانند حسن نیت، رفاقت، دوستی و هم‌دردی، دادوستد میان افراد و خانواده‌ها اشاره دارد. وی برداشتی محدود از مفهوم سرمایه اجتماعی داشته و آن را تنها در قالب روابط درون‌گروهی مورد توجه قرار داده است (غفاری و اوتق، ۱۳۸۵). از دید کلمن، سرمایه اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است که اگر مانند سرمایه اقتصادی و فیزیکی تجدید نشود، با گذشت زمان، مستهلک می‌شود. به این ترتیب، روابط اجتماعی اگر حفظ نشود، به تدریج از بین می‌رود و انتظارات و تعهدات با گذشت زمان ضعیف و ناپدید می‌شود؛ زیرا حفظ هنجارها به ارتباط منسجم بستگی دارد (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۲ و Coleman, 1990). پاتنام (Putnam, 1995) سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که همکاری و هماهنگی را بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کنند. وی سرمایه اجتماعی را به دو شکل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌کند و از واژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای انجمن‌هایی استفاده می‌نماید که با تأکید بر انسجام درونی به حذف غریبه‌ها می‌پردازند و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را برای انجمن‌هایی به کار می‌برد که سعی دارند با گروه‌های دیگر (غریبه‌ها) در جامعه ارتباط برقرار کنند.

---

1. Hani Fan

تقسیم سرمایه اجتماعی به دو بعد سرمایه اجتماعی درون گروهی و سرمایه اجتماعی برون گروهی توسط پژوهشگران گوناگون (Woolcock and Narayan, 2000; Sanginga et al., 2008; Njuki et al., 2007) صورت گرفت. زیرتر و ولکاک (Szreter and Woolcock, 2004) سرمایه اجتماعی درون گروهی را روابط اعتماد و همکاری بین اعضای تعریف کرده اند که احساس دموگرافیک اجتماعی مشابهی دارند.

سرمایه اجتماعی اتصالی یا برون گروهی<sup>۱</sup> به آن نوع ارتباطاتی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکا به نزدیکی های شخصی و هویت مشترک، بر علایق مشترک متکی است و بر هماهنگی و همکاری مورد نیاز شبکه ها با گروه های بیرونی دیگر برای دستیابی به اهداف مشترک جمع تأکید دارد (Njuki et al., 2008). لئونارد و انیکس (Leonard and Onyx, 2003) شاخص سرمایه اجتماعی را، که شامل شبکه ها<sup>۲</sup>، عمل متقابل<sup>۳</sup>، اعتماد<sup>۴</sup>، هنجارها<sup>۵</sup> و آژانس های اجتماعی<sup>۶</sup> می شود، برای تشخیص برون گرای<sup>۷</sup> و درون گرای<sup>۸</sup> به کار بردند و بیان کردند که ویژگی های سرمایه اجتماعی درون گرای شامل شبکه های متعدد و متراکم، عمل متقابل بلندمدت، اعتماد زیاد، هنجارهای تسهیم شده و همکاری کمتر می باشد و سرمایه اجتماعی برون گرای ویژگی هایی چون شبکه های گسترده و آزاد، عمل متقابل نسبتاً محکم، اعتماد کم و واسطه (همکاری) بیشتر دارد.

آپهوف برای مفهومی کردن و ساختن یک چارچوب مفهومی از سرمایه اجتماعی آن را به دو طبقه مرتبط با هم از پدیده ها تقسیم کرد: ساختاری و شناختی (Uphoff, 2000). سرمایه

- 
1. Bridging Social Capital
  2. Network
  3. Reciprocity
  4. Trust
  5. Shared Norms
  6. Social Agency
  7. Bridging
  8. Bonding

اجتماعی ساختاری را می‌توان شامل مشارکت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی در نظر گرفت. مشارکت اجتماعی<sup>۱</sup> دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصیصه محلی و غیردولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰). مسئله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است و واحد تشکیل دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی، به‌عنوان یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه‌ای از پیوندها تشکیل شده است که افراد، کنش‌گران یا گروه‌ها را به هم متصل می‌سازند. در واقع اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها و یا سازمان‌ها باشند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۷).

ماجدی و لهسانی‌زاده (۱۳۸۵) متغیرهای سرمایه اجتماعی شناختی را به دو صورت اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی تقسیم کردند. اعتماد اجتماعی<sup>۲</sup> همه مذاکرات و تعهدات درون جوامع جوامع مدنی و یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است (Grotaert et al., 2005). در واقع اعتماد اجتماعی بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان، دلالت دارد (ازکیا، ۱۳۸۰). انسجام اجتماعی<sup>۳</sup> دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد (Lacee and Dronkers, 2007).

پژوهش‌های متعدد توسعه روستایی نشان داده است که نهادهای اجتماعی سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورند و دستیابی به هدف‌هایی را ممکن و تسهیل می‌کنند که در نبود آن‌ها تحققشان غیرممکن و یا پرهزینه است به طوری که عضویت در سازمان‌های اجتماعی موجب افزایش میزان سرمایه اجتماعی شده (کوثری، ۱۳۷۴) و در کل، وجود انجمن‌های محلی یک عنصر کارساز و قاطع در راهبردهای موفقیت‌آمیز توسعه روستایی می‌باشد (ماجدی و لهسانی‌زاده، ۱۳۸۵). ازکیا و فیروزآبادی (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه رسیدند که میزان سرمایه اجتماعی اعضای تعاونی‌ها نقش مثبت مؤثری در تصمیم‌گیری بهتر آنان، اعمال مطلوب مدیریت تولید و افزایش مشارکت‌های تولیدی داشته است.

---

1. Social Participation

2. Social Trust

3. Social Solidarity

فعالیت‌های ترویج کشاورزی از گذشته با مشکلاتی از قبیل تحت پوشش قرار نگرفتن تمام کشاورزان، ناتوانی کشاورزان خرده‌پا در جذب و استفاده از خدمات ترویجی و نهاده‌ها و مواردی از این دست رو به رو بودند. راهکاری که بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه و ترویج برای غلبه بر این مشکلات ارائه داده اند، لزوم شکل و سازماندهی زارعان به خصوص زارعان خرده‌پاست. جان کلام بحث‌های سرمایه‌ اجتماعی در حوزه کشاورزی نیز به این امر اشاره دارد که می‌توان با اعتمادسازی مناسب، افراد جامعه را به هم نزدیک کرد تا اعتماد و روابط اجتماعی در بین اعضا قوت گیرد و سرانجام تعاونی یا تشکل‌های کشاورزان که پدید آیند.

مطالعات تجربی نشان می‌دهند که کشاورزان فقیر در کشورهای در حال توسعه با عضویت در تشکل‌ها و تعامل با یکدیگر و تبادل اطلاعات و تماس با مروجان، فناوری‌های جدید را بهتر به‌کار می‌گیرند (Mange et al., 2008). عضویت و مشارکت در تشکل‌ها، قدرت مذاکره کشاورزان خرده‌پا را بهبود می‌بخشد و دسترسی آنان را به اطلاعات تسهیل می‌کند و پذیرش نوآوری‌های مستلزم سرمایه‌های شخصی را افزایش می‌دهد؛ زیرا تشکل‌ها می‌توانند دسترسی فقرا به اعتبارات را از طریق وام گروهی تضمین کنند. همچنین تشکل‌ها با تشویق مشارکت، یادگیری اجتماعی و افزایش روابط باعث افزایش سرمایه اجتماعی اعضا و ارتقای خود می‌شوند (Novkovic, 2008).

نتایج مطالعه مانگو و همکاران (Mange et al., 2008) نشان داد که عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های کشاورزی نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش نوآوری‌های فعالیت‌های کشاورزی دارد. مطالعه بایارد و همکارانش (Bayard et al., 2006) مبین این بود که ویژگی‌های شخصی کشاورزان و عوامل نهادی از قبیل عضویت و مشارکت در تشکل‌های محلی و آموزش در مورد فعالیت‌های حفاظت خاک در پذیرش فعالیت‌های حفاظت خاک مؤثرند. مطالعه احمدی فیروزجایی و همکاران (Ahmadi Firozjaie et al., 2007) نیز نشان داد که تبادل اطلاعات با مردم یا نهاده‌ها، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و شبکه روابط رسمی میزان چشمگیری از پذیرش برنامه‌های توسعه روستایی را تبیین کردند.

غفاری (۱۳۷۹) مسئله مشارکت و سرمایه اجتماعی را در برخی روستاهای کاشان بررسی کرد و نتیجه گرفت که رابطه معناداری بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی وجود دارد.

ماجدی و لهسایی زاده (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی را مفهومی دانستند که دو جزء ساختاری و شناختی دارد به گونه‌ای که در جزء ساختاری عواملی مانند عضویت گروهی، حمایت متقابل، تفاوت و خدمات و در جزء شناختی شاخص‌هایی مانند اعتماد، انسجام و تضاد در نظر گرفته شده است. همچنین تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و متغیرهای شخصیتی به همراه متغیرهای سرمایه اجتماعی سنجیده شد. تحلیل نتایج نیز نشان داد که یازده فرضیه از بیست فرضیه مربوط به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی تأیید شدند که از آن میان، ۵ فرضیه به شاخص‌های سرمایه اجتماعی مربوط می‌شد. همچنین مدل تحلیل رگرسیون معنادار شد که در واقع، تأییدی بر فرضیه تحقیق بود به گونه‌ای که سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد. مدل رگرسیون ۳۸/۱ درصد تغییر در متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی را تبیین کرد. در تحقیق پیش‌گفته، سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل و غیره، پیش‌بینی کننده بهتری برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار رفت.

در تحقیق ازکیا و فیروزآبادی (۱۳۸۷)، بالاترین رابطه بین اعتماد اجتماعی نهادی و مشارکت اجتماعی به دست آمد و بعد از آن به ترتیب، متغیر اعتماد اجتماعی بین فردی، تمایل به کار گروهی و وفاق اجتماعی بالاترین رابطه را با متغیر وابسته داشت.

احمدی فیروزجائی و همکارانش (۱۳۸۵) به مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که چهار عامل مبادله اطلاعات با خارج از نظام اجتماعی، اعتماد به نهادها، شبکه روابط رسمی و میزان آگاهی به ترتیب، مهم‌ترین عوامل متمایزکننده دو گروه (عضو و غیر عضو تعاونی تولید) شناخته شدند به طوری که اعضای تعاونی تولید نسبت به غیر اعضا از نظر دارا بودن این مؤلفه‌ها در سطح بالاتری قرار داشتند.

کرمی و رضائی مقدم (Karami and Rezaei-Moghaddam, 2005) تحقیقی را با عنوان «مدل‌سازی عملکرد تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران» انجام دادند. هدف‌های این تحقیق تعیین سازه‌های اساسی (اجتماعی، طبیعی، حمایت دولت، اعتماد و ساختار تعاونی) و این مسئله بود که آیا این سازه‌ها باعث ارتقای اثربخشی عملکرد تعاونی‌های تولید در عملیات قبل از کاشت، کاشت، داشت، برداشت، بعد از برداشت و خدمات ترویجی شده‌اند و در نهایت، ارتقای اثربخشی عملکرد تعاونی‌های تولید منجر به توسعه پایدار کشاورزی گردیده است؟ نتایج نشان داد که ساختار تعاونی و میزان حمایت دولت مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده اثربخشی عملکرد تعاونی‌های تولید کشاورزی بودند.

و اما شهرستان گرمسار یکی از چهار شهرستان استان سمنان می باشد که در تقسیمات جغرافیایی در قسمت غرب استان سمنان قرار گرفته است. این پژوهش به بررسی وضعیت ابعاد سرمایه اجتماعی (شامل مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، بهره‌مندی از خدمات ترویجی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی) در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌های کشاورزی شهرستان گرمسار پرداخته است. در واقع روال تحقیق به این شکل بود که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی در بین دو دسته کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی (تعاونی‌های تولید روستایی، تشکل‌های آب بران و تعاونی‌های مکانیزاسیون) و غیرعضو سنجیده و مقایسه شد. بنابراین، اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

- بررسی ویژگی‌های فردی کشاورزان مورد مطالعه؛

- بررسی وضعیت ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (شامل مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، بهره‌مندی از خدمات ترویجی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی) در بین کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی؛

- بررسی وضعیت ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان غیرعضو تشکل‌های کشاورزی؛

-مقایسه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌های کشاورزی.

## روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی می باشد و با بهره گیری از فن پیمایش، داده های تحقیق جمع آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل کشاورزان شهرستان گرمسار بود. از روش نمونه گیری طبقه بندی شده چند مرحله ای برای نمونه گیری استفاده شد. به این منظور، ابتدا کشاورزان شهرستان گرمسار به دو گروه اصلی (عضو و غیرعضو تشکل کشاورزی) تقسیم شدند. سپس با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۲۸۹ نفر برآورد گردید که به طور تقریبی ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد. تعداد کل کشاورزان شهرستان گرمسار ۳۱۵۶ نفر می باشد. با توجه به اینکه کشاورزان شهرستان گرمسار به طور تقریباً مساوی در بین دو طبقه (عضو تشکل ۱۴۳۱ نفر و غیرعضو ۱۷۲۵ نفر) بودند، تعداد ۱۵۰ نفر از هر طبقه برای نمونه تعیین گردید. همچنین در شهرستان گرمسار تعدادی تعاونی تولید، تشکل آب بران و تعاونی مکانیزاسیون وجود دارد که در زمینه کشاورزی فعالیت دارند. به همین منظور، به طور تصادفی ۶۰ کشاورز از ۵ تعاونی تولید و ۶۰ کشاورز از ۱۵ تشکل آب بران و ۳۰ کشاورز از ۷ تعاونی مکانیزاسیون انتخاب شدند (نمونه کشاورزان عضو تشکل). ملاک تعیین حجم نمونه برای گروه های مختلف کشاورزان، بنابر لزوم، به صورت انتساب متناسب بوده است (جدول ۱).

جدول ۱. محاسبات حجم نمونه آماری تحقیق

حجم نمونه	حجم جامعه	گروه های کشاورزان	
۶۰	۱۴۳۱	تعاونی تولید	کشاورزان عضو تشکل
۶۰		تشکل آب بران	
۳۰		تعاونی مکانیزاسیون	
۱۵۰	۱۷۲۵	کشاورزان غیرعضو	

مأخذ: یافته های تحقیق

متغیرهای تحقیق شامل ویژگی های فردی (سن، سطح تحصیلات، سابقه کار کشاورزی، تعداد اعضای خانوار، دانش فنی کشاورزان) و اقتصادی (درآمد حاصل از کشاورزی، اندازه زمین،



تعداد قطعات زمین، فاصله مزرعه تا نزدیک ترین مرکز خدمات جهاد کشاورزی، سطح زیر کشت، میزان عملکرد محصول و میزان وام دریافت شده برای فعالیت های کشاورزی می باشد. سرمایه اجتماعی در قالب دو نوع سرمایه اجتماعی ساختاری (مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و بهره‌مندی از خدمات ترویجی) و سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت. اعتماد اجتماعی در این تحقیق با سؤالاتی مانند قرض دادن پول به یکدیگر، دادن وسایل به یکدیگر، قبول ضمانت و میزان اعتماد به کارشناسان ترویج کشاورزی و انسجام اجتماعی نیز با سؤالاتی مانند کمک به یکدیگر در کارهای زراعی و اداره مزرعه یکدیگر هنگام بروز اتفاق برای دیگری سنجیده شد. همچنین مشارکت اجتماعی با سؤالاتی مانند میزان همکاری در شورای اسلامی و تعاونی روستایی، میزان مشارکت در جلسات و جشن‌ها و مراسم عزا و مراسم مذهبی روستا مورد سنجش قرار گرفت. شبکه روابط اجتماعی نیز با سؤالاتی مانند میزان گفتگو با اعضای خانواده، ملاقات با خویشاوندان و آشنایان، مشورت با دوستان و آشنایان و میزان ملاقات با دوستان و آشنایان خارج از روستا، مروجان و کارشناسان کشاورزی و روابط دوستانه با کارکنان دولتی سنجیده شد. و در نهایت، میزان بهره‌مندی از فعالیت‌های ترویجی با تعدادی سؤال از کشاورزان در زمینه میزان مشارکت آنان در کلاس‌های آموزشی ترویجی، تعداد بازدیدهای آنان از مزارع نمونه و نمایشی و غیره در یک سال گذشته مورد سنجش قرار گرفت. کلیه این متغیرها با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجیده شدند. ابزار سنجش در این تحقیق پرسش‌نامه‌ای بود که روایی صوری آن را استادان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز تأیید کردند. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه مذکور نیز ابتدا از یک مطالعه راهنما استفاده شد. برای انجام مطالعه راهنما ۳۰ نفر از به کشاورزان خارج از منطقه مورد مطالعه، که شرایط مشابهی داشتند، انتخاب شدند و به تکمیل پرسش‌نامه اقدام شد. سپس با آزمون آلفای کرونباخ ضریب این آزمون برای متغیرهای تحقیق بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ به دست آمد که پایایی پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط پرسش‌نامه، پس از کدگذاری به‌وسیله نرم افزار آماری SPSS تجزیه و

تحلیل شدند و از برخی روش‌های آماری مانند آزمون فراوانی، میانگین، انحراف معیار، آزمون تی استیودنت و آزمون تحلیل واریانس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### نتایج و بحث

میانگین سنی نمونه مورد مطالعه حدود ۴۸ سال و به عبارتی، اکثر نمونه‌ها میان سال بوده‌اند. میانگین سابقه کار کشاورزی در بین پاسخگویان حدود ۲۶ سال بوده است. توزیع فراوانی تحصیلات کل نمونه مورد مطالعه نشان داد که بیش از نیمی از این افراد سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر داشته‌اند. در واقع افراد دارای مدرک دیپلم ۱۲۰ نفر (۴۰ درصد)، بالاتر از دیپلم ۶۶ نفر (۲۲ درصد)، بی‌سواد ۲۷ نفر (۹ درصد) و پایین‌تر از دیپلم ۸۷ نفر (۲۹ درصد) بوده‌اند. بیشترین درصد کشاورزان یعنی ۱۴۹ نفر (۴۹/۷ درصد) مالک زمین‌هایشان بودند و ۷۸ نفر (۲۶ درصد) زمین را اجاره کرده‌اند. شیوه مالکیت مختلط و مالکیت سهم‌بری، کمتر بین کشاورزان رایج بوده به طوری که تنها ۳۹ نفر (۱۳/۰ درصد) به شیوه مالکیت مختلط و ۳۴ نفر (۱۱/۳ درصد) به شیوه مالکیت سهم‌بری بر روی زمین‌های کشاورزی به کار مشغول بوده‌اند (جدول ۲). نتایج بررسی توزیع فراوانی سطح زیر کشت نیز نشان داد که بیشترین درصد نمونه مورد مطالعه یعنی ۱۳۰ نفر (۴۳/۳ درصد) دارای سطح زیر کشت ۳ تا ۶ هکتار بودند.

جدول ۲. گروه‌های مختلف کشاورزان از نظر نوع مالکیت

نوع مالکیت	فراوانی	درصد
مالک	۱۴۹	۴۹/۷
اجاره	۷۸	۲۶
سهم‌بری	۳۴	۱۱/۳
مختلط	۳۹	۱۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### مقایسه میانگین متغیرهای فردی و اقتصادی بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌ها

برای مقایسه متغیرهای فردی و اقتصادی در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل از آزمون  $t$  استفاده شد. جدول ۳ مقایسه میانگین متغیرهای فردی و اقتصادی را در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل نشان می‌دهد. مطابق جدول ۳، تفاوت معناداری از لحاظ میانگین سطح تحصیلات در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل وجود دارد ( $t=2/89$ ,  $p=0/004$ ) به گونه‌ای که میانگین سطح تحصیلات کشاورزان عضو تشکل بیشتر از کشاورزان غیر عضو می‌باشد (۱۱/۰۷ در مقابل ۹/۵۲). متغیر دانش فنی کشاورزان نیز بین کشاورزان دو گروه تفاوت معناداری دارد ( $t=7/73$ ,  $p=0/0001$ ) به گونه‌ای که کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیر عضو از دانش فنی بیشتری بهره‌مند بودند (۹/۴۳ در مقابل ۶/۸). هر چند با توجه به طیف امتیاز این متغیر (۰-۲۴)، هر دو گروه دارای دانش فنی کمی هستند. این یافته با نتایج حاصل از مطالعات مانگو و همکاران (Mange et al., 2008)، کوثری (۱۳۷۴) و احمدی فیروزجائی و همکاران (۱۳۸۵) مطابقت دارد. همچنین از نظر فاصله مزرعه تا نزدیک‌ترین مرکز خدمات جهادکشاورزی بین کشاورزان دو گروه تفاوت معناداری به دست آمد ( $t=-2/24$ ,  $p=0/02$ ) به طوری که کشاورزان غیرعضو نسبت به کشاورزان عضو تشکل، فاصله بیشتری تا نزدیک‌ترین مرکز خدمات جهاد کشاورزی داشتند (۸/۳۴ کیلومتر در مقابل ۶/۹۱ کیلومتر). از لحاظ درآمد حاصل از کشاورزی نیز بین دو گروه تفاوت معناداری وجود داشت ( $t=0/52$ ,  $p=0/03$ ) به طوری که کشاورزان عضو تشکل نسبت به کشاورزان غیر عضو از میانگین درآمد بالاتری برخوردار بودند (۵/۵۷ میلیون تومان در مقابل ۴/۴۳ میلیون تومان). همچنین کشاورزان عضو تشکل نسبت به کشاورزان غیرعضو، میزان وام بیشتری برای فعالیتهای کشاورزی از بانک دریافت کرده اند (۶/۳۳ میلیون تومان در مقابل ۳/۱۶ میلیون تومان).

از لحاظ میانگین سن، سابقه کار کشاورزی، تعداد اعضای خانوار، اندازه زمین، تعداد قطعات زمین، میزان عملکرد محصول و سطح زیر کشت بین دو گروه تفاوت معنی داری به دست نیامد.

جدول ۳. مقایسه میانگین متغیرهای فردی و اقتصادی بین کشاورزان عضو و غیر عضو تشکل‌ها

متغیرهای فردی و اقتصادی	کشاورزان عضو تشکل		کشاورزان غیر عضو		آماره t	سطح معنی‌داری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
سطح تحصیلات (سال)	۱۱/۰۷	۴/۶۰	۹/۵۲	۴/۶۷	۲/۸۹	۰/۰۰۴
سن (سال)	۴۶/۴۵	۱۳/۰۰۹	۴۸/۹۱	۱۳/۷۳۰	۰/۰۰۹	۰/۱۱
سابقه کار کشاورزی (سال)	۲۴/۸۴	۱۴/۸۱	۲۶/۰۰	۱۶/۶۳	۰/۰۹	۰/۵۲
تعداد اعضای خانوار	۴/۱۸	۱/۳۷	۴/۰۶	۱/۵۱	۰/۳۰	۰/۴۷
درآمد حاصل از کشاورزی (میلیون تومان)	۵/۵۷	۴/۶	۴/۴۳	۴/۸	۰/۵۲	۰/۰۳
اندازه زمین (هکتار)	۱۱/۱۶	۱۲/۱۶	۱۰/۳۴	۱۱/۰۵	۰/۶۰	۰/۵۴
تعداد قطعات زمین	۳/۳۸	۱/۶۳	۳/۱۴	۱/۵۶	۱/۸۱	۰/۱۹
فاصله مزرعه تا نزدیک‌ترین مرکز خدمات جهاد کشاورزی (کیلومتر)	۶/۹۱	۴/۶۸	۸/۳۴	۶/۲۵	-۲/۲۴	۰/۰۲
سطح زیر کشت (هکتار)	۵/۹۹	۵/۳۷	۵/۲۶	۴/۲۵	۱/۳۰	۰/۱۹
میزان عملکرد محصول (تن در هکتار)	۴/۸۱	۱/۳۴	۴/۷۰	۱/۳۵	۰/۷۱	۰/۴۷
میزان وام دریافت شده برای فعالیت های کشاورزی (میلیون تومان)	۶/۳۳	۳/۷۰	۳/۱۶	۲/۳۲	۶/۷۹	۰/۰۰۰۱
دانش فنی کشاورزان	۹/۴۳	۳/۶۵	۶/۸۰	۱/۹۷	۷/۷۳	۰/۰۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: طیف امتیاز دانش فنی کشاورزان ۰-۲۴ است.

### مقایسه میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی بین کشاورزان عضو و غیر عضو تشکل‌ها

برای مقایسه متغیرهای سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان عضو و غیر عضو تشکل نیز از آزمون t استفاده شد. مطابق جدول ۴، از لحاظ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بین کشاورزان عضو و غیر عضو تشکل‌ها تفاوت معناداری به دست آمد ( $t = 7/55, p = 0/0001$ ) به طوری که کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیر عضو، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی داشته و از میانگین نمره بالاتری برخوردار بودند (۱۵/۱۵ در مقابل ۱۱/۴۵). در مورد متغیر

بهره‌مندی از فعالیت‌های ترویجی نیز بین کشاورزان دو گروه تفاوت معناداری به دست آمد ( $t = ۶/۷۷, p = ۰/۰۰۰۱$ ) به گونه‌ای که کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیر عضو بیشتر در فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی شرکت داشتند ( $۹/۴۵$  در مقابل  $۵/۱۳$ ). با توجه به طیف امتیاز این متغیر ( $۰-۲۸$ )، هر دو گروه به میزان کمی از فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی استفاده کردند. همچنین از نظر روابط اجتماعی نیز بین کشاورزان دو گروه تفاوت معناداری به دست آمد ( $t = ۷/۴۹, p = ۰/۰۰۰۱$ ) به طوری که کشاورزان عضو تشکل نسبت به کشاورزان غیر عضو، روابط اجتماعی بالاتری داشته و از میانگین نمره بالاتری برخوردار بودند ( $۱۹/۹۹$  در مقابل  $۱۵/۷۵$ ). بین کشاورزان عضو تشکل و کشاورزان غیر عضو از نظر اعتماد اجتماعی نیز تفاوت وجود داشت ( $t = ۶/۳۶, p = ۰/۰۰۰۱$ ) به گونه‌ای که کشاورزان عضو تشکل از اعتماد اجتماعی بالاتری نسبت به کشاورزان غیر عضو برخوردار بوده و میانگین نمره بالاتری داشتند ( $۲۳/۱۵$  در مقابل  $۱۹/۰۹$ )؛ البته با توجه به طیف امتیاز این متغیر ( $۰-۴۴$ )، هر دو گروه در حد میانگین هستند. در نهایت، بین انسجام اجتماعی این دو گروه نیز تفاوت معنی دار وجود داشت ( $t = ۱۱/۰۸, p = ۰/۰۰۰۱$ ) به طوری که کشاورزان عضو تشکل انسجام اجتماعی بالاتری داشته و در نتیجه از میانگین نمره بالاتری نیز برخوردار بودند ( $۲۵/۲۱$  در مقابل  $۱۹/۶۷$ ).

همان‌گونه که در جدول ۴ نشان داده شده است، کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیر عضو از سرمایه اجتماعی شناختی بالاتری بهره‌مند بودند ( $t = ۱۰/۶۷, p = ۰/۰۰۰۱$ ) و از این نظر، میانگین نمره بالاتری داشتند ( $۴۸/۳۵$  در مقابل  $۳۸/۷۵$ )؛ البته با توجه به طیف امتیاز این متغیر ( $۰-۸۴$ )، هر دو گروه در حد میانگین هستند. از نظر سرمایه اجتماعی ساختاری نیز بین کشاورزان دو گروه تفاوت معناداری به دست آمد ( $t = ۹/۶۶, p = ۰/۰۰۰۱$ ) به طوری که کشاورزان عضو تشکل نسبت به کشاورزان غیر عضو، سرمایه اجتماعی ساختاری بالاتری داشته و از میانگین نمره بالاتری نیز برخوردار بودند ( $۴۴/۵۹$  در مقابل  $۳۲/۳۲$ ).

در کل، یافته‌های مربوط به جدول ۴ نشان می‌دهد که کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیر عضو، دارای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی بوده و روابط اجتماعی، اعتماد

اجتماعی و انسجام اجتماعی بالاتری داشته‌اند و نیز از فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند. بر اساس این جدول می‌توان نتیجه گرفت که تشکل‌ها توانسته‌اند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در میان اعضای خود افزایش دهند. این یافته‌ها توسط مطالعات مانگ و همکاران (Mange et al., 2008)، پاتنام (Putnam, 1995)، کوثری (۱۳۷۴) و احمدی فیروزجائی و همکاران (۱۳۸۵) نیز تأیید شده است. همچنین نتیجه‌گیری شد که کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیرعضو سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری بالاتری داشتند. در توجیه نتایج به دست آمده می‌توان گفت که تشکل‌ها تعامل بین کشاورزان را تسهیل می‌کنند و سبب ایجاد ارتباطات گسترده بین آن‌ها می‌شوند که این امر باعث همکاری، مشارکت و اعتماد کشاورزان به یکدیگر می‌گردد. از طرفی، این اعتماد ایجاد شده منجر به تسهیم اطلاعات و استفاده از تجارب متقابل می‌شود و اطلاعات آن‌ها را افزایش می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی بین کشاورزان عضو و غیر عضو تشکل‌ها

متغیرها	کشاورزان عضو تشکل		کشاورزان غیر عضو		سطح معنی‌داری	طیف امتیاز
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
مشارکت اجتماعی	۱۵/۱۵	۴/۴۵	۱۱/۴۵	۴/۰۲	۷/۵۵	۰/۰۰۰۱
بهره‌مندی از فعالیت‌های ترویجی	۹/۴۵	۶/۱۹	۵/۱۳	۴/۷۵	۶/۷۷	۰/۰۰۰۱
روابط اجتماعی	۱۹/۹۹	۴/۶۶	۱۵/۷۵	۵/۱۴	۷/۴۹	۰/۰۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۲۳/۱۵	۵/۴۱	۱۹/۰۹	۵/۴۶	۶/۳۶	۰/۰۰۰۱
انسجام اجتماعی	۲۵/۲۱	۳/۹۹	۱۹/۶۷	۴/۶۳	۱۱/۰۸	۰/۰۰۰۱
سرمایه اجتماعی شناختی	۴۸/۳۵	۷/۴۵	۳۸/۷۵	۸/۱۰	۱۰/۶۷	۰/۰۰۰۱
سرمایه اجتماعی ساختاری	۴۴/۵۹	۱۱/۷۹	۳۲/۳۲	۱۰/۱۱	۹/۶۶	۰/۰۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌های مکانیزاسیون،  
آب‌بران و تعاونی‌های تولید کشاورزی

برای مقایسه متغیرهای سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان عضو تشکل‌های آب‌بران و تعاونی‌های تولید و مکانیزاسیون از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه<sup>۱</sup> استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، از لحاظ متغیرهای بهره‌مندی از خدمات ترویجی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌های مختلف هیچ‌گونه تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. همچنین از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری نیز به‌طور کلی اختلاف آماری معناداری بین کشاورزان عضو تشکل‌های مختلف پیدا نشد.

اما از لحاظ میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌ها، تفاوت معناداری به دست آمد ( $F=۳/۲۹, p=۰/۰۴$ ). به‌طور مشخص، کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید کشاورزی نسبت به کشاورزان عضو تشکل‌های آب‌بران، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی منطقه خود داشتند، ولی کشاورزان عضو تشکل‌های مکانیزاسیون از لحاظ مشارکت اجتماعی با دو گروه دیگر تفاوت آماری معناداری نداشتند. همچنین از لحاظ میزان اعتماد اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌ها، تفاوت آماری به دست آمد ( $F=۳/۶۳, p=۰/۰۲$ ). مشابه مشارکت اجتماعی، کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید کشاورزی نسبت به کشاورزان عضو تشکل‌های آب‌بران از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، اما کشاورزان عضو تشکل‌های مکانیزاسیون از این نظر با دو گروه دیگر تفاوت آماری معناداری نداشتند.

جدول ۵. مقایسه میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌های مکانیزاسیون،

آب‌بران و تعاونی‌های تولید

سطح معنی‌داری	آماره F	کشاورزان عضو		کشاورزان عضو		کشاورزان عضو		ابعاد سرمایه اجتماعی	
		تشکل‌های آب‌بران		تشکل‌های		تعاونی‌های تولید			
		مکانیزاسیون		مکانیزاسیون		کشاورزی			
		میانگین انحراف	میانگین انحراف	میانگین انحراف	میانگین انحراف	میانگین انحراف	میانگین انحراف		
		معیار	معیار	معیار	معیار	معیار	معیار		
	۰/۰۴	۳/۲۹	۴/۸۹	۱۴/۳۲ <sup>b</sup>	۴/۲۹	۱۴/۵۷ <sup>ab</sup>	۳/۸۵	۱۶/۲۷ <sup>a</sup>	مشارکت اجتماعی
	۰/۶۷	۰/۴۰	۷/۲۱	۹/۹۸	۶/۳۱	۸/۸۷	۴/۹۷	۹/۲۰	بهره‌مندی از فعالیت‌های ترویجی
	۰/۹۴	۰/۰۵	۵/۳۸	۲۰/۱۲	۴/۲۰	۲۰/۰۷	۴/۱۳	۱۹/۸۳	روابط اجتماعی
	۰/۰۲	۳/۶۳	۵/۰۶	۲۱/۹۳ <sup>b</sup>	۵/۸۶	۲۳/۱۷ <sup>ab</sup>	۵/۳۶	۲۴/۵۷ <sup>a</sup>	اعتماد اجتماعی
	۰/۱۲	۲/۱۰	۴/۰۵	۲۵/۴۰	۴/۱۸	۲۳/۹۰	۳/۷۵	۲۵/۶۷	انسجام اجتماعی
	۰/۰۷	۲/۵۹	۶/۵۴	۴۶/۷۸	۸/۵۰	۴۶/۶۷	۷/۳۹	۴۹/۵۲	سرمایه اجتماعی شناختی
	۰/۷۸	۰/۲۴	۱۳/۵۰	۴۴/۴۲	۱۳/۰۶	۴۳/۵۰	۹/۷۰	۴۵/۳۰	سرمایه اجتماعی ساختاری

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تحقیق با هدف بررسی نقش تشکل‌های کشاورزی در تقویت سرمایه‌های اجتماعی، به مقایسه ابعاد سرمایه‌های اجتماعی ساختاری و شناختی در بین کشاورزان عضو و غیرعضو تشکل‌های کشاورزی شهرستان گرمسار پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که کشاورزان عضو تشکل‌ها از کشاورزان غیر عضو دارای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی بوده و روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بالاتر داشته و همچنین از فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند. لذا می‌توان گفت که تشکل‌ها توانسته‌اند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در میان اعضای خود افزایش دهند؛ یا به عبارتی، کشاورزان عضو تشکل‌ها نسبت به کشاورزان غیرعضو سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری بالاتری داشتند. در توجیه نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که تشکل‌ها تعامل بین کشاورزان را تسهیل می‌کنند و سبب ایجاد



ارتباطات گسترده بین آنها می‌شوند که این امر باعث همکاری و مشارکت و اعتماد کشاورزان به یکدیگر می‌گردد. از طرفی، این اعتماد ایجاد شده منجر به تسهیم اطلاعات و استفاده از تجارب متقابل می‌شود و اطلاعات آنها را افزایش می‌دهد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس بین کشاورزان عضو تشکل‌های آب بران، تعاونی‌های تولید و مکانیزاسیون نشان داد که از لحاظ متغیرهای بهره‌مندی از خدمات ترویجی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌های مختلف هیچ‌گونه تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. همچنین از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی شناختی و ساختار نیز به طور کلی اختلاف آماری معناداری بین کشاورزان عضو تشکل‌های مختلف پیدا نشد. اما از لحاظ میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی بین کشاورزان عضو تشکل‌ها تفاوت آماری معناداری به دست آمد. به طور مشخص، کشاورزان عضو تعاونی‌های تولیدکشاورزی از میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی بالاتری نسبت به کشاورزان عضو تشکل‌های آب بران برخوردار بودند. دلیل احتمالی این امر به سابقه کم تشکل‌های آب بران نسبت به تعاونی‌های تولید روستایی مربوط می‌شود. در واقع به سبب قدمت بیشتر تعاونی‌های تولید روستایی، اعضای این تعاونی‌ها مدت زمان طولانی‌تری است که در کنار هم به فعالیت مشغول هستند و لذا اعتماد آنها نسبت به هم بیشتر و در نتیجه، میزان مشارکت اجتماعی آنها بالاتر است. نهایتاً اینکه کشاورزان عضو تشکل‌های مکانیزاسیون از لحاظ مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با دو گروه دیگر تفاوت آماری معناداری نداشتند.

بر مبنای نتایج تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- همان‌طور که مشاهده شد، کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی نسبت به غیرعضو درآمد بالاتر و دسترسی بیشتر به تسهیلات و وام‌های بانکی داشته‌اند. اگر این امر به دلیل حضور این کشاورزان در تشکل‌های کشاورزی باشد باید سایر کشاورزان را نیز تشویق و ترغیب به حضور در تشکل‌های کشاورزی نمود تا آنها نیز از مزیت بهره‌مندی از تسهیلات بانکی و در نهایت، افزایش درآمد کشاورزی برخوردار شوند.

- میزان انسجام و اعتماد اجتماعی در بین کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی بیشتر از کشاورزان غیرعضو بوده است. این امر تأکیدی است بر لزوم تقویت اعتماد اجتماعی برای عضویت کشاورزان در تشکل‌های کشاورزی. بنابراین، تشکل‌های کشاورزی باید با انجام اقدامات بیشتر در جهت جلب اعتماد کشاورزان غیرعضو، زمینه جذب و عضویت آن‌ها را فراهم آورند.
- میزان مشارکت اجتماعی در بین کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی بیشتر از سایر کشاورزان بوده است. بنابراین، تشکل‌های کشاورزی باید با انجام اقدامات جمعی در حوزه‌های فعالیت‌های خود، بکوشند تا از این ظرفیت در بین اعضای خود در راستای تولید کمی و کیفی بیشتر محصولات منطقه بهره‌برند.
- کشاورزان عضو تشکل‌های کشاورزی به میزان بیشتری از خدمات ترویجی استفاده کردند. وجود این دسته از مخاطبان برای خدمات ترویجی، زمینه مناسبی برای به کارگیری رهنمودهای مفید ترویجی در منطقه فراهم آورده است. اما نباید این نکته را فراموش کرد که هنوز نیمی از کشاورزان، که در هیچ‌گونه تشکلی عضویت ندارند، دسترسی کمتری به خدمات و آموزش‌های ترویجی دارند که این امر لزوم توجه دست‌اندرکاران ترویجی برای جذب این دسته از کشاورزان را گوشزد می‌نماید.
- این تحقیق نشان داد که تشکل‌های کشاورزی از پتانسیل خوبی برای تقویت ابعاد سرمایه اجتماعی (انسجام، اعتماد، شبکه روابط، مشارکت اجتماعی و غیره) در بین اعضای خود بهره‌مندند. بنابراین، می‌توان از این پتانسیل در جهت رشد و توسعه کشاورزی در سطح شهرستان استفاده کرد. پیشنهادهای زیر را نیز می‌توان برای مطالعات آتی ارائه نمود:
- تمرکز عمیق‌تر روی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی می‌تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد؛ برای مثال، به جای تمرکز بر روی تمام ابعاد سرمایه اجتماعی، برخی تحقیقات می‌توانند صرفاً بر روی بعدی چون اعتماد اجتماعی تمرکز کنند و جنبه‌های مختلف اعتماد روستاییان (اعتماد بین فردی، درون گروهی، برون گروهی و غیره) را مورد تحقیق قرار دهند.

- انجام تحقیقات کیفی با شیوه‌هایی مثل قوم‌نگاری شاید بتواند توانایی بیشتری در تبیین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در بین جامعه روستاییان داشته باشد.
- بررسی نمونه‌های موفق و ناموفق تشکل‌های کشاورزان در قالب مطالعه موردی نیز می‌تواند برای تحقیقات آینده به کار رود.

### منابع

۱. احمدی فیروزجائی، ع.، صدیقی، ح. و محمدی، م. ع. (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی. *رفاه اجتماعی*، ۲۳(۶)، ۹۳-۱۱۱.
۲. ازکیا، م. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: مؤسسه نشرکلمه.
۳. ازکیا، م. و غفاری، غ. ا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۹(۳۶)، ۱۷۵-۲۰۶.
۴. ازکیا، م. و فیروزآبادی، س. ا. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل موثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۳، ۷۷-۹۸.
۵. باستانی، س.، کمالی، ا. و صالحی هیکویی، م. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۱۶(۶۱)، ۴۰-۶۱.
۶. غفاری، غ. (۱۳۷۹). *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهرکاشان*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۷. غفاری، غ. و اونق، ن. م. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۵۹-۱۹۹.
۸. کوثری، م. (۱۳۷۴). *بررسی تاثیر انسجام اجتماعی بر مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۹. ماجدی، م. و لهسایی زاده، ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس. *روستا و توسعه*، ۹ (۴)، ۹۱-۱۳۵.
۱۰. مدنی قهفرخی، س. (۱۳۸۲). پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی. *پژوهش زنان*، ۱ (۵)، ۳۴-۷.

11. Ahmadi Firouzjaie, A., Sadighi, H., & Mohammadi, M. A. (2007). The influence of social capital on adoption of rural development programs by farmers in the Caspian Sea region of Iran. *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 2 (1), 15-22.
12. Bayard, B., Jolly, C. M., & Shannon, D. A. (2006). The adoption and management of soil conservation practices in Haiti: The case of rock walls. *Agricultural Economics Review*, 7(2), 28-39.
13. Coleman, J. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge, MA: Belknap.
14. Grootaert, C., Narayan, D., Jones, V. N., & Woolcick, M. (2005). Measuring social capital an integrated questionnaire. *World Bank Working Paper*, 18, 1-53.
15. Karami, E., & Rezaei-Moghaddam, K. (2005). Modeling determinants of agricultural production cooperatives' performance in Iran. *Agricultural Economics*, 33(3), 305-314.
16. Lancee, B., & Dronkers, J. (2007). Ethnic diversity in neighborhoods and individual trust of immigrants and natives: A replication of Putnam in a West-European country. European University Institute. Paper presented at the International Conference on Theoretical Perspectives on Social Cohesion and Social Capital, Royal Flemish Academy of Belgium for Science and the Arts, Brussels, Palace of the Academy. May 15, 2008.

17. Leonard, R., & Onyx, J.(2003). Networking through loose and strong ties: An Australian qualitative study. *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 14 (2),189–203.
18. Mange, M.,Hartwich, F., & Halgin, D.(2008). How change agents and social capital influence the adoption of innovations among small farmers: Evidence from social networks in rural Bolivia. Washington DC: Intl. Food Policy Res. Inst.
19. Njuki , J. M., Mapila, M. T., Zingore ,S., & Delve, R. (2008). The dynamics of social capital in influencing use of soil management options in the Chi Nyanja Triangle of Southern Africa. *Ecology and Society*, 13(2), 9-25.
20. Novkovic, S. (2008). Defining the cooperative difference. *Journal of Socio-Economics*, 37, 2168–2177.
21. Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 21,1–24.
22. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
23. Sanginga, P., Kamugisha, R ., Adrienne ,M., Sanginga, P., Kamugisha, R., & Adrienne, M .(2007). Conflict management, social capital, and adoption of agroforestry technologies: Empirical findings from the highlands of southwestern Uganda. *Agroforestry Systems*, 69(1), 67–76.
24. Szreter, S., & Woolcock, M. (2004). Health by association, Social capital, social theory, and the political economy of public health. *International Journal of Epidemiology*, 33, 650–67.

25. Uphoff, N. (2000). Understanding social capital: Learning from the analysis and experience of participation. *Social capital: A multifaceted perspective*. World Bank. 215-249.
26. Woolcock, M. (1999). Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework. *In Theory and Society*, 27, 151-208.
27. Woolcock, M., & Narayan, D. (2000). Social capital: Implications for development theory, research, and policy. *World Bank Research Observer*, 15: 225-250.

---

## Social Capital Status among Member and Non-member Farmers of Agricultural Associations in Garmsar Township

*F. Sabour<sup>1\*</sup>, K. Rezaei-Moghaddam<sup>2</sup>, M. Menatizadeh<sup>3</sup>*

Received: 17/03/2014 Accepted: 30/08/2014

### **Abstract**

The major purpose of this study was to investigate social capital among members and non-member farmers of agricultural associations in Garmsar Township. Population included 300 farmers (150 members and 150 non-members) Cochran's formula was used to select samples for the study. Survey technique and questionnaire were used for gathering data. Face validity of the instrument was confirmed by a panel of experts at Shiraz University. Questionnaires Reliability was gained by implementing a pilot study. Internal consistency analysis calculated from the pilot test produced Cronbach's alpha coefficients ranging from 0.65 to 0.9. The results revealed that member farmers have a higher education level and knowledge than non-members. The member farmers had higher income and received the more loans than the non-member farmers. Also the results showed that the member farmers have more social participation in social activities, network of social relations, social solidarity, social trust, participating in extension programs than the other farmers. Finally, based on the results, some recommendations are presented.

**Keywords:** Social Capital, Agricultural Associations, Farmers, Garmsar

---

1. Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Shiraz University, Shiraz, Iran

\*Corresponding Author

E-mail:sabourf99@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Shiraz University, Shiraz, Iran

3. Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Shiraz University, Shiraz, Iran